فصلنامه پژوهش های مدیریت در جهان اسلام

شماره مجوز: ۸۵۴۹۵ شماره استاندارد بین المللی: ۶۰۹۴-۲۶۷۶ شماره بیست و ششم (بهار۱۴۰۵)

مدیریت عملیات نظامی در چارچوب حق دفاع مشروع ایران در حقوق بین‌الملل

(تاریخ ارسال ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش ۱۴۰۵/۰۳/۲۸)

عبدالقادر باوردی[۱]

کارشناسی ارشد مدیریت دولتی، گرایش مدیریت مالی دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران

چکیده

این پژوهش به بررسی مفهوم، مبانی و چارچوب عملیاتی مدیریت عملیات نظامی در سیستم حقوقی ایران، با تأکید بر اصل حق دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل، می‌پردازد. در این پژوهش، حق دفاع مشروع به‌عنوان یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل که در ماده ۵۱ کنوانسیون‌های ژنو و در سند اساسی جامعه ملل و سپس سازمان ملل متحد تثبیت شده، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ایران با توجه به جایگاه جغرافیایی، تاریخچه تنش‌های منطقه‌ای و تهدیدات امنیتی معاصر، این حق را به‌عنوان بخشی از سیاست دفاعی خود شناخته و در ساختار قانونی داخلی خود نیز آن را تثبیت کرده است. در این راستا، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در بند «الف» ماده ۱۵۴ به صراحت از حق دفاع مشروع نام می‌برد و سیاست‌های دفاعی کشور را در چارچوب این اصل تعریف می‌کند. همچنین، قانون سازمان نظام وحدت‌بخشی و قانون سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران، اصول و مقررات عملیاتی را بر اساس این حق تنظیم کرده‌اند. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، حق دفاع مشروع شرایطی دارد که از جمله آن‌ها

[۱] *qader.bawerdi@yahoo.com*

می‌توان به شرط ضرورت، تناسب، اطلاع‌رسانی به شورای امنیت و عدم تجاوز به سایر اصول حقوق بین‌الملل اشاره کرد. ایران در عملیات نظامی خود، این شرایط را در سطح اصول و مقررات داخلی مدنظر قرار داده و سعی در ایجاد هماهنگی بین سیاست‌های دفاعی داخلی و تعهدات بین‌المللی داشته است. این پژوهش با رویکرد تحلیلی-توصیفی، با استفاده از روش تحلیل محتوای قوانین و سیاست‌های دفاعی، به بررسی نحوه مدیریت عملیات نظامی در ایران در شرایط تهدیدات معاصر می‌پردازد و نشان می‌دهد که این مدیریت، علاوه بر پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل، دارای ویژگی‌های خاص خود در سیستم فقهی و قانونی ایران است. در نهایت، با توجه به تغییرات ساختاری تهدیدات جهانی، لزوم به‌روزرسانی مفهوم دفاع مشروع و تطبیق آن با تهدیدات غیرسنتی مانند تهدیدات سایبری، اقتصادی و اطلاعاتی مطرح می‌شود.

واژگان کلیدی: حق دفاع مشروع، مدیریت عملیات نظامی، حقوق بین‌الملل، امنیت ملی، سیاست دفاعی

مقدمه

مدیریت عملیات نظامی در چارچوب حق دفاع مشروع، یکی از مسائل کلیدی و پیچیده در دستگاه امنیتی کشورهای معاصر است که از تلاقی عناصر حقوقی، سیاسی، فقهی و نظامی شکل گرفته است. در ایران، این مسئله با توجه به جایگاه جغرافیایی، تاریخچه تنش‌های منطقه‌ای و تهدیدات امنیتی معاصر، اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. اصل حق دفاع مشروع، که در ماده ۵۱ کنوانسیون‌های ژنو و در سند اساسی سازمان ملل متحد تثبیت شده، به عنوان یکی از اصول جبران‌ناپذیر حقوق بین‌الملل شناخته می‌شود و در عین حال، این حق شرایطی را

می‌طلبد که از جمله آن‌ها می‌توان به شرط ضرورت، تناسب، اطلاع‌رسانی به شورای امنیت و عدم تجاوز به سایر اصول حقوق بین‌الملل اشاره کرد. ایران در قانون اساسی خود، به‌ویژه در بند «الف» ماده ۱۵۴، به این حق اشاره کرده و سیاست‌های دفاعی را در چارچوب این اصل تعریف می‌کند. همچنین، قانون سازمان نظام وحدت‌بخشی و قانون سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران، اصول و مقررات عملیاتی را بر اساس این حق تنظیم کرده‌اند. در این راستا، فقهای حقوق بین‌الملل و حقوق داخلی ایران، به بررسی نحوه تطبیق این حق در شرایط خاص ایران پرداخته‌اند. (نجفی پور و مهدوی، ۱۴۰۱) در تحلیل خود از سیاست‌های دفاعی ایران، بر ضرورت هماهنگی بین سیاست‌های داخلی و تعهدات بین‌المللی تأکید کرده‌اند. همچنین، (رضایی، ۱۳۹۲) در مطالعه‌ای بر اصول دفاع مشروع در فقه اسلامی، نشان داده است که این اصل در فقه شیعه دارای پایه‌های قوی است و با اصول حقوق بین‌الملل به‌خوبی هم‌خوانی دارد.(حسنی، ۱۳۹۳) نیز در تحلیل سیاست‌های دفاعی ایران، بر اهمیت تطبیق این سیاست‌ها با تهدیدات معاصر اشاره کرده‌اند. در این راستا، (شکوری ،۱۴۰۲) به بررسی نحوه مدیریت عملیات نظامی در شرایط تهدیدات غیرسنتی پرداخته و نشان داده است که این مدیریت نیازمند تغییر در رویکردهای سنتی است. در نهایت، (موسوی و همکاران ،۱۴۰۰) در مطالعه‌ای بر ساختارهای تصمیم‌گیری نظامی در ایران، بر لزوم تقویت هماهنگی بین نهادهای مختلف در مدیریت عملیات دفاعی تأکید کرده‌اند. این مقاله با رویکرد تحلیلی-توصیفی، با استفاده از روش تحلیل محتوای قوانین و سیاست‌های دفاعی، به بررسی نحوه مدیریت عملیات نظامی در ایران در شرایط تهدیدات معاصر می‌پردازد و نشان می‌دهد که این مدیریت، علاوه بر پایبندی به اصول حقوق بین‌الملل، دارای ویژگی‌های خاص خود در سیستم فقهی و قانونی ایران است. در نهایت، با توجه به تغییرات ساختاری تهدیدات جهانی، لزوم به‌روزرسانی مفهوم دفاع مشروع و تطبیق آن با تهدیدات غیرسنتی مانند تهدیدات سایبری، اقتصادی و اطلاعاتی مطرح می‌شود. همچنین (احمدی،۱۳۹۸) در تحقیق خود ذکر می کند که در سیستم امنیتی جهانی معاصر، حق دفاع مشروع به‌عنوان یکی از اصول جبران‌ناپذیر حقوق بین‌الملل، نقشی محوری در تعریف مجوزهای استفاده از نیروی مسلحانه ایفا می‌کند و این اصل، علاوه بر اینکه به‌عنوان

یک حق طبیعی و ذاتی توسط جامعه بین‌المللی مورد تأیید است، در بسیاری از سیستم‌های حقوقی داخلی نیز به‌صورت صریح تثبیت شده است.

(علی پور ،۱۳۹۴) در مطالعات خود بیان می دارد که در ایران، این حق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صورت صریح مورد اشاره قرار گرفته است، به‌طوری‌که بند «الف» ماده ۱۵۴ به‌وضوح به این اصل اکتفا نکرده و آن را به‌عنوان یکی از اصول کلیدی سیاست‌های دفاعی کشور معرفی کرده است. این رویکرد نه‌تنها نشان‌دهنده‌ی توجه به اصول حقوق بین‌الملل است، بلکه در عین حال، ساختار داخلی مدیریت عملیات نظامی را در چارچوبی که از ارزش‌های اسلامی و ملی نیز تغذیه می‌کند، شکل‌دهی می‌کند. سازمان ارتش جمهوری اسلامی ایران و سازمان نظام وحدت‌بخشی، به‌عنوان دو ستون اصلی دفاع ملی، در قانون‌های مربوط به خود، اصول و مقررات عملیاتی را بر اساس این حق تنظیم کرده‌اند، به‌طوری‌که هرگونه تصمیم‌گیری نظامی، باید در چارچوب این اصل و با رعایت شرایط آن انجام شود. (میرزایی،۱۳۹۱) عنوان می کند که از دیدگاه فقهی، حق دفاع مشروع در فقه اسلامی، به‌ویژه در مکتب شیعه، دارای پایه‌های محکمی است و از نظر ائمه و فقهای بزرگ، دفاع از ارض و دین، نجات جان و مال مردم و جلوگیری از ظلم و تجاوز، از جمله مواردی است که در آن‌ها استفاده از نیروی مسلحانه به‌صورت مشروع و مورد پذیرش شرعی است. این رویکرد فقهی، با اصول حقوق بین‌الملل در مورد دفاع مشروع هم‌خوانی کاملی دارد و در واقع، این اصل را از یک حق سیاسی به یک وظیفه اخلاقی و دینی نیز تبدیل می‌کند. در سیستم تصمیم‌گیری امنیتی ایران، این اصل به‌صورت عملیاتی در سطح نهادهای مختلف تحقق می‌یابد، به‌طوری‌که وزارت دفاع، ارتش و سازمان نظام وحدت‌بخشی، در شرایط تهدید، باید بر اساس این اصل و با رعایت شرایط آن، عمل کنند. این شرایط شامل ضرورت، تناسب، اطلاع‌رسانی به شورای امنیت سازمان ملل و عدم تجاوز به سایر اصول حقوق بین‌الملل است که در عملیات نظامی ایران، به‌صورت ضمنی و صریح در مقررات داخلی و سیاست‌های دفاعی مدنظر قرار گرفته است.

(باقری، ۱۳۹۵) بیان می دارد، در عصر مدرن، با توجه به تغییرات ساختاری تهدیدات، از تهدیدات سنتی به سمت تهدیدات غیرسنتی مانند تهدیدات سایبری، اقتصادی، اطلاعاتی و تروریستی، مفهوم دفاع مشروع نیز دست‌خوش تغییراتی شده است، به‌طوری‌که اکنون نه‌تنها دفاع از سرزمین و مردم، بلکه دفاع از زیرساخت‌های حیاتی، امنیت ملی و هویت فرهنگی نیز در چارچوب این اصل مورد توجه قرار گرفته است. ایران با توجه به شرایط منطقه‌ای و جهانی، در تلاش است تا این مفهوم را به‌صورت هوشمندانه در سیاست‌های دفاعی خود تطبیق دهد، به‌طوری‌که از یک سو، تعهدات بین‌المللی خود را رعایت کند، و از سوی دیگر، از ابزارهای حقوقی و نظامی خود در برابر تهدیدات معاصر به‌صورت مشروع استفاده کند. در این راستا، مدیریت عملیات نظامی نه‌تنها به‌عنوان یک فرآیند فنی و تاکتیکی، بلکه به‌عنوان یک فرآیند سیاسی، حقوقی و اخلاقی نیز در نظر گرفته می‌شود و این رویکرد، اهمیت ویژه‌ای به آموزش، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری در سطح نهادهای دفاعی می‌دهد. در نهایت، این مقدمه نشان می‌دهد که حق دفاع مشروع در ایران، نه‌تنها یک اصل حقوقی است، بلکه یک اصل جامع است که از تلاقی عناصر فقهی، قانونی، سیاسی و نظامی شکل گرفته و در مدیریت عملیات نظامی، نقشی کلیدی ایفا می‌کند.

بخش اول: کلیات

در شرایط فعلی منطقه و جهان، مسئله مدیریت عملیات نظامی در چارچوب حق دفاع مشروع، به‌عنوان یکی از مسائل حیاتی و پیچیده در دستگاه امنیتی کشور مطرح است، به‌طوری‌که این مسئله نه‌تنها به ابعاد حقوقی و سیاسی مربوط می‌شود، بلکه از جنبه‌های فقهی، اخلاقی و استراتژیک نیز اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در واقع، مدیریت عملیات نظامی، فرآیندی است که در آن تصمیماتی اتخاذ می‌شوند که می‌تواند سرنوشت امنیتی، سیاسی و فرهنگی کشور را تحت تأثیر قرار دهد و این امر، لزوم دقت،

شفافیت و پایبندی به اصول قانونی و اخلاقی را در این حوزه از هر منظر بی‌نظیر می‌سازد؛ ایران با توجه به جایگاه جغرافیایی، تاریخچه تنش‌های منطقه‌ای، تهدیدات امنیتی معاصر و همچنین ساختار قانونی و فقهی خود، این مسئله را در سطحی بالا قرار داده است و در قانون اساسی و سایر قوانین داخلی، به‌صورت صریح یا ضمنی، به حق دفاع مشروع اشاره کرده است، به‌طوری‌که این حق نه‌تنها به‌عنوان یک اصل حقوقی شناخته می‌شود، بلکه به‌عنوان یک وظیفه اخلاقی و دینی نیز در نظر گرفته می‌شود؛ از این رو، مدیریت عملیات نظامی در ایران، نه‌تنها باید از نظر فنی و تاکتیکی انجام شود، بلکه باید در چارچوب اصولی مانند ضرورت، تناسب، عدم تجاوز و اطلاع‌رسانی به شورای امنیت سازمان ملل محقق گردد؛ این در حالی است که تهدیدات معاصر، از ساختارهای سنتی به سمت تهدیدات غیرسنتی مانند تهدیدات سایبری، اقتصادی، اطلاعاتی، تروریستی و نیز تهدیدات ترکیبی و مخلوط تغییر کرده‌اند، به‌طوری‌که اکنون دفاع از سرزمین و مردم، تنها بخشی از مأموریت دفاعی است و دفاع از زیرساخت‌های حیاتی، امنیت ملی، هویت فرهنگی و استقلال تصمیم‌گیری سیاسی نیز در چارچوب این اصل مدنظر قرار گرفته است؛ این تغییر در ماهیت تهدیدات، خود به‌طور ذاتی، نیازمند تغییر در مفهوم دفاع مشروع و در نتیجه، در مدیریت عملیات نظامی است، زیرا اگرچه اصول اولیه دفاع مشروع همچون ضرورت و تناسب، همچنان حفظ می‌شوند، اما تفسیر و تطبیق آن‌ها در شرایط جدید، نیازمند رویکردی نوین و ترکیبی است؛ از این رو، مسئله اصلی این است که آیا ساختارهای موجود مدیریت عملیات نظامی در ایران، در شرایط تهدیدات معاصر، به‌صورت کامل و کارآمد، از حق دفاع مشروع بهره‌مند می‌شوند یا خیر؛ آیا این ساختارها، توانایی پاسخ‌دهی به تهدیدات غیرسنتی را دارند و آیا در تصمیم‌گیری‌های نظامی، اصول دفاع مشروع به‌صورت کامل و بدون تناقض، رعایت می‌شوند؟ این سؤالات، مسئله را به‌صورت عملیاتی و کاربردی مطرح می‌کنند، زیرا اگرچه در سطح اصول و قوانین، ایران به‌خوبی این حق را تثبیت کرده است، اما در سطح عملیاتی و تصمیم‌گیری، ممکن است با چالش‌هایی مواجه باشد که از جمله آن‌ها می‌توان به نیاز به تقویت هماهنگی بین نهادهای مختلف، به‌روزرسانی آموزش‌های نظامی، تطبیق ساختارهای فرماندهی و کنترل با تهدیدات جدید و همچنین، تقویت ظرفیت‌های

تحلیلی و پیش‌بینی تهدیدات اشاره کرد؛ از این رو، مسئله مدیریت عملیات نظامی در چارچوب حق دفاع مشروع، به‌عنوان یک مسئله ترکیبی از چالش‌های حقوقی، نظامی، فقهی و سیاسی، نیازمند بررسی جامع و عمیق است، زیرا هرگونه نقص در این ساختار، می‌تواند به‌عنوان یک ضعف ساختاری در دفاع ملی شناخته شود و این امر، خود به‌عنوان یک عامل تحریک‌کننده برای تهدیدات بیشتر عمل کند؛ در عین حال، اگرچه ایران در سال‌های اخیر، تلاش‌های قابل توجهی در جهت به‌روزرسانی سیاست‌های دفاعی و تقویت ظرفیت‌های نظامی انجام داده است، اما هنوز مسائلی مانند تفاوت در تفسیر اصول دفاع مشروع بین نهادهای مختلف، نیاز به آموزش‌های تخصصی در سطح تصمیم‌گیران نظامی، تضعیف هماهنگی در مدیریت بحران و نیز نیاز به تقویت ساختارهای پیش‌بینی و تحلیل تهدیدات، همچنان وجود دارد؛ از این رو، مسئله اصلی این است که چگونه می‌توان از اصل حق دفاع مشروع، به‌عنوان یک اصل جامع و انعطاف‌پذیر، در مدیریت عملیات نظامی به‌صورت کارآمد و مؤثر استفاده کرد، به‌طوری‌که این اصل، نه‌تنها از نظر حقوقی و اخلاقی توجیه‌پذیر باشد، بلکه از نظر عملیاتی نیز کارایی لازم را داشته باشد و در نهایت، بتواند امنیت ملی را در برابر تهدیدات سنتی و غیرسنتی تضمین کند؛ این مسئله، از یک سو، نیازمند بازتعریف مفهوم دفاع مشروع در شرایط جدید و از سوی دیگر، نیازمند بازسازی ساختارهای مدیریتی و تصمیم‌گیری در حوزه عملیات نظامی است، به‌طوری‌که این دو امر، به‌صورت همزمان و هماهنگ، انجام شوند؛ از این رو، مسئله مدیریت عملیات نظامی در چارچوب حق دفاع مشروع، به‌عنوان یک مسئله کلیدی در دستگاه امنیتی ایران، نیازمند توجه جدی و جامعه‌شناختی است، زیرا این مسئله، نه‌تنها به امنیت ملی مربوط می‌شود، بلکه به استحکام نظام سیاسی، هویت فرهنگی و استقلال تصمیم‌گیری کشور نیز ارتباط مستقیمی دارد.

بخش دوم: اهمیت و ضرورت پژوهش

اهمیت پژوهش در زمینه مدیریت عملیات نظامی در چارچوب حق دفاع مشروع، از چندین جهت بی‌نظیر است؛ اول از همه، این پژوهش به‌عنوان یک تلاش برای تقویت پایه‌های حقوقی و اخلاقی تصمیم‌گیری‌های نظامی در ایران، نقشی تعیین‌کننده در تثبیت مشروعیت اقدامات دفاعی ایفا می‌کند؛ زیرا در شرایطی که تهدیدات به‌صورت مداوم در حال تغییر و پیچیده‌تر شدن هستند، اطمینان از اینکه هرگونه اقدام نظامی در چارچوب اصول دفاع مشروع انجام شود، نه‌تنها از نظر داخلی، بلکه از نظر بین‌المللی نیز مشروعیت خود را حفظ می‌کند و این امر، از جمله موانع سیاسی و دیپلماتیک را کاهش می‌دهد.

دوم، این پژوهش به‌عنوان یک ابزار تشخیصی، به شناسایی نقاط ضعف و قوت در ساختارهای مدیریتی و تصمیم‌گیری نظامی کمک می‌کند، به‌طوری‌که با بررسی نحوه تطبیق اصول دفاع مشروع در عملیات واقعی، می‌توان از تناقضات، ناهنجاری‌ها و تأخیرهای احتمالی در تصمیم‌گیری جلوگیری کرد و این امر، خود به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده برای کارایی سیستم دفاعی عمل می‌کند.

سوم، با توجه به تغییرات ساختاری تهدیدات، این پژوهش به‌عنوان یک فرآیند به‌روزرسانی مفهومی، به تطبیق مفهوم دفاع مشروع با تهدیدات غیرسنتی مانند تهدیدات سایبری، اقتصادی، اطلاعاتی و تروریستی کمک می‌کند، به‌طوری‌که این مفهوم، نه‌تنها به‌عنوان یک اصل ثابت باقی بماند، بلکه به‌صورت پویا و انعطاف‌پذیر، در برابر چالش‌های جدید پاسخ‌دهی کند.

چهارم، این پژوهش به‌عنوان یک ابزار آموزشی، به تقویت ظرفیت‌های تحلیلی و تصمیم‌گیری در سطح نهادهای نظامی و امنیتی کمک می‌کند، زیرا با تشریح دقیق اصول و شرایط دفاع مشروع، می‌توان آموزش‌های نظامی را به‌صورت کاربردی‌تر و مبتنی بر اصول علمی ارائه داد و این امر، خود به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده برای کاهش خطا در تصمیم‌گیری عمل می‌کند.

پنجم، این پژوهش به‌عنوان یک مبنای قانونی برای به‌روزرسانی قوانین و مقررات داخلی، نقشی حیاتی ایفا می‌کند؛ زیرا با توجه به تغییرات در ماهیت تهدیدات و همچنین تغییرات در تفسیر اصول دفاع مشروع، ممکن است برخی از قوانین موجود، دیگر نتوانند به‌صورت کامل از این اصل حمایت کنند و این پژوهش، با شناسایی این نواقص، به‌عنوان یک مرجع برای اصلاح و به‌روزرسانی قوانین عمل می‌کند.

ششم، این پژوهش به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده برای هماهنگی بین نهادهای مختلف دفاعی، از جمله ارتش، نظام وحدت‌بخشی، وزارت دفاع و نهادهای اطلاعاتی، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در شرایطی که هر نهاد ممکن است از دیدگاه خاص خود به مفهوم دفاع مشروع نگاه کند، این پژوهش، به‌عنوان یک چارچوب مشترک، به ایجاد هم‌خوانی و کاهش تناقضات در تصمیم‌گیری کمک می‌کند.

هفتم، این پژوهش به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده برای اعتماد عمومی به نهادهای دفاعی، نقشی تعیین‌کننده دارد؛ زیرا اگر عموم مردم اطمینان داشته باشند که اقدامات نظامی همیشه در چارچوب اصول مشروعیت و اخلاقی انجام می‌شود، این امر، اعتماد اجتماعی به نهادهای دفاعی را افزایش می‌دهد و این امر، خود به‌عنوان یک منبع قدرت نرم در دفاع ملی عمل می‌کند؛ هشتم، این پژوهش به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده برای جایگاه بین‌المللی ایران، اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا با توجه به حساسیت جامعه بین‌المللی به مسائل مشروعیت استفاده از نیروی مسلحانه، اگر ایران بتواند به‌صورت شفاف و مستند، اقدامات خود را در چارچوب دفاع مشروع توجیه کند، این امر، از جمله ادعاهای سیاسی و دیپلماتیک علیه کشور را کاهش می‌دهد و جایگاه ایران را در سطح جهانی تقویت می‌کند؛ نهایتاً، این پژوهش به‌عنوان یک عامل تقویت‌کننده برای حفظ استقلال تصمیم‌گیری سیاسی و امنیتی کشور، نقشی حیاتی دارد؛ زیرا با تقویت ساختارهای داخلی مدیریت عملیات نظامی، ایران می‌تواند از وابستگی به تصمیمات خارجی جلوگیری کرده و به‌صورت مستقل و مسئولانه، در برابر تهدیدات پاسخ

دهد؛ از این رو، اهمیت و ضرورت این پژوهش، نه‌تنها از جنبه‌های تئوری و علمی، بلکه از جنبه‌های عملیاتی، سیاسی و اجتماعی نیز بی‌نظیر است و این امر، خود به‌عنوان یک دلیل کافی برای انجام این پژوهش محسوب می‌شود.

- **سوالات پژوهش**

۱. حق دفاع مشروع در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل چه اصول و شرایطی را برای عملیات نظامی ایران تعریف می‌کند؟

۲. چگونه می‌توان تطبیق‌پذیری مفاهیم فقهی دفاعی با استانداردهای حقوق بین‌الملل امروزی را در چارچوب سیاست‌گذاری‌های امنیتی ایران تبیین کرد؟

۳. محدودیت‌های قانونی و عملیاتی که بر عملکرد نیروهای مسلح در حفظ امنیت ملی تحمیل می‌شود، چه عناصری را در بر می‌گیرد؟

۴. تأثیر تصمیمات سیاسی بر اجرای حق دفاع مشروع در عملیات نظامی ایران چگونه قابل بررسی است؟

۵. چه مکانیسم‌هایی برای نظارت بر رعایت اصول دفاع مشروع در سطح داخلی و بین‌المللی توسط ایران وجود دارد؟

- **اهداف پژوهش**

هدف کلی این پژوهش: شناسایی و تحلیل چارچوب حقوقی حق دفاع مشروع در نظام حقوقی ایران و تطبیق آن با استانداردهای بین‌المللی در عملیات نظامی است.

اهداف جزئی عبارتند از:

۱. تبیین مبانی فقهی و شرعی حق دفاع مشروع در متون فقهی و تصویبات شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی؛

۲. بررسی جایگاه حق دفاع مشروع در متن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قوانین تکمیلی مربوط به نیروهای مسلح؛

۳. تحلیل روابط بین مفاهیم فقهی دفاعی و اصول حقوق بشر و حقوق جنگ در سازمان ملل و کمیته‌های بین‌المللی؛

۴. شناسایی تفاوت‌ها و تطابق‌های مفهومی بین رویکرد ایران و سایر نظام‌های حقوقی منطقه‌ای در زمینه دفاع مشروع؛

۵. پیشنهاد مکانیسم‌هایی برای تقویت رعایت استانداردهای دفاع مشروع در عملیات نظامی ایران با توجه به شرایط جدید امنیتی.

بخش سوم: روش پژوهش

روش پژوهش در این مطالعه ترکیبی و توصیفی‌تحلیلی است که بر اساس ترکیب رویکرد تحلیل محتوا، روش تحلیل سیاست و روش مقایسه‌ای انجام شده است؛ این پژوهش از داده‌های اولیه مانند متون قانونی، فتوای رهبری، تصویبات شورای عالی امنیت ملی، گزارش‌های رسمی نیروهای مسلح و بیانیه‌های وزارت امور خارجه استفاده می‌کند و با توجه به اینکه بخشی از اطلاعات مربوط به عملیات نظامی ایران از نوع اسرار نظامی است، روش تحقیق از نوع توصیفی‌تحلیلی و غیرتجربی انتخاب شده است؛ در این راستا از تحلیل محتوایی متن‌های رسمی، تطبیق مفاهیم فقهی با مقررات بین‌المللی و روش مقایسه‌ای بین نظام‌های

حقوقی ایران و سایر کشورهای عضو سازمان همکاری اسلامی و کشورهای دارای سیاست دفاعی مشابه استفاده شده است؛ همچنین از روش تحلیل سیاست برای بررسی تصمیمات سیاسی در اجرای حق دفاع مشروع و تأثیر آن بر ساختار تصمیم‌گیری نظامی استفاده شده است؛ این پژوهش از روش تطبیقی نیز بهره می‌برد تا بتواند تفاوت‌ها و تطابق‌های مفاهیم دفاع مشروع را در سطح بین‌المللی مورد بررسی قرار دهد؛ در نهایت، روش تحلیلی-استنتاجی برای تدوین مکانیسم‌های پیشنهادی برای تقویت رعایت استانداردهای دفاع مشروع در عملیات نظامی ایران به کار گرفته شده است.

بخش چهارم: یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حق دفاع مشروع در نظام حقوقی ایران از دو مبنای اصلی فقهی و قانونی برخوردار است؛ از سوی فقه شیعه، دفاع مشروع تنها در شرایطی امکان‌پذیر است که تهدید واقعی، جدی و ملموس به امنیت ملی یا اسلامی وارد شده باشد و این تهدید نباید از طریق اقدامات تروریستی یا جنگ نرم ایجاد شده باشد، بلکه باید شامل حمله نظامی مستقیم یا تهدیدات با قابلیت اجرا باشد؛ این اصل در متون فقهی مانند «حدائق الایمن» و «رساله‌های امام خمینی» به‌صورت صریح مورد تأکید قرار گرفته است؛ از سوی قانون اساسی، ماده ۱۵۴ به صراحت بر وظیفه کلیه نهادها و موسسات برای دفاع از استقلال، سیادت ملی و نظام اسلامی تاکید دارد و این ماده به عنوان مبنای قانونی برای اقدامات نظامی در شرایط بحرانی شناخته می‌شود؛ همچنین، قانون سازمان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران در ماده ۲، مأموریت اصلی این نیروها را دفاع از اسلام و ایران اعلام کرده است که این مأموریت به‌صورت ضمنی شامل حق دفاع مشروع است. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، ایران با امضای اسناد اساسی مانند کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های تکمیلی، اصول دفاع مشروع را در قالب استانداردهای جهانی پذیرفته است؛ با این حال، تفاوت مفهومی بین رویکرد ایران و رویکرد غربی در تعریف «تهدید» و «حمله» وجود دارد؛ در فقه اسلامی، تهدید نه تنها شامل حمله

نظامی، بلکه تهدیدات اقتصادی، فرهنگی و سایبری نیز می‌شود، در حالی که حقوق بین‌الملل معمولاً تهدید را محدود به حمله نظامی یا مسلحانه می‌داند؛ این تفاوت باعث شده است که ایران در برخی موارد، اقداماتی را به عنوان دفاع مشروع اعلام کند که در سطح بین‌المللی به عنوان تجاوز تلقی شود؛ از نظر عملیاتی، مکانیسم‌های تصمیم‌گیری برای اجرای حق دفاع مشروع در ایران شامل سه لایه است: لایه سیاسی (رئیس‌جمهور و شورای عالی امنیت ملی)، لایه فقهی (مرجعیت مذهبی یا نماینده رهبری در امور نظامی) و لایه فنی-عملیاتی (ارتش و سپاه پاسداران)؛ این سه‌لایه‌ای بودن، اطمینان حاصل می‌کند که تصمیمات دفاعی هم از نظر شرعی و هم از نظر قانونی و عملیاتی مورد بررسی قرار گیرد؛ با این حال، شواهد نشان می‌دهد که در برخی موارد، تصمیمات سیاسی بر مبنای فقهی و قانونی تأثیر بیشتری داشته است و این موضوع می‌تواند به عنوان یک چالش در رعایت استانداردهای دفاع مشروع مطرح شود؛ از سوی دیگر، مکانیسم‌های نظارت داخلی بر عملیات نظامی، مانند نظارت شورای عالی امنیت ملی و کمیسیون‌های مجلس بر فعالیت‌های نظامی، در عمل به‌صورت کامل اجرا نمی‌شوند و این موضوع باعث کاهش شفافیت در این حوزه شده است؛ همچنین، عدم وجود قانون جامع برای تنظیم عملیات نظامی در شرایط خاص (مانند جنگ نرم یا تهاجم سایبری) باعث شده است که برخی اقدامات نظامی بدون مبنای قانونی صریح انجام شوند؛ از دیدگاه بین‌المللی، ایران در بسیاری از موارد، از حق دفاع مشروع به عنوان توجیه برای اقداماتی استفاده کرده است که از نظر جامعه بین‌المللی، از محدوده دفاع مشروع خارج است؛ این موضوع باعث شده است که مشروعیت بین‌المللی برخی اقدامات ایران مورد سؤال قرار گیرد؛ در نهایت، پژوهش نشان داد که برای تقویت رعایت اصول دفاع مشروع، لازم است ایران ضمن حفظ استقلال تصمیم‌گیری، مکانیسم‌های شفاف‌تری برای نظارت بر عملیات نظامی ایجاد کند و در عین حال، با جامعه بین‌المللی در قالب مکانیسم‌های دیپلماتیک و حقوقی همکاری کند تا تفاوت‌های مفهومی در مورد دفاع مشروع به حداقل برسد.

نتیجه‌گیری

نتایج این پژوهش بر این نکته استوار است که حق دفاع مشروع در چارچوب نظام حقوقی ایران، از جایگاهی ترکیبی و چندلایه برخوردار است که هم از مبنای فقهی محکمی در فقه شیعه و متون معتبر اسلامی بهره می‌برد و هم از پذیرش استانداردهای حقوق بین‌المللی در قالب اسناد بین‌المللی که ایران طرف آن‌هاست، تقویت شده است؛ این حق نه تنها به عنوان یک اصل اخلاقی و دینی در فقه اسلامی تبیین شده، بلکه به عنوان یک وظیفه قانونی در قانون اساسی و قوانین مکمل آن، به‌ویژه در ماده ۱۵۴ و قانون سازمان نیروهای مسلح، ثبت و تثبیت گردیده است؛ از این رو، دفاع مشروع در ایران نه یک حق انتخابی و نه یک ابزار سیاسی موقت، بلکه یک اصل جامد و غیرقابل دست‌کاری است که در شرایطی از جمله تهدید واقعی به استقلال، سیادت یا نظام اسلامی، قابل اجرا می‌شود؛ با این حال، تحلیل‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که تفاوت‌های مفهومی عمیقی بین رویکرد ایران و رویکرد غربی در تعریف «تهدید»، «حمله» و «ضرورت» وجود دارد؛ در فقه اسلامی، تهدید می‌تواند شامل اقدامات غیرنظامی مانند تحریم‌های شدید، جنگ نرم، ترویج فرهنگی-اخلاقی برای تغییر نظام، و تهاجم سایبری باشد، در حالی که حقوق بین‌الملل معمولاً تهدید را محدود به حمله نظامی یا مسلحانه می‌داند؛ این تفاوت، در عمل، باعث شده است که ایران در برخی موارد، اقداماتی را به عنوان دفاع مشروع اعلام کند که از دیدگاه جامعه بین‌المللی، از محدوده دفاع مشروع خارج است و به عنوان تجاوز به استانداردهای بین‌المللی تلقی می‌شود؛ از سوی دیگر، ساختار تصمیم‌گیری برای اجرای حق دفاع مشروع در ایران، سه‌لایه‌ای است و شامل لایه سیاسی (رئیس‌جمهور و شورای عالی امنیت ملی)، لایه فقهی (نماینده رهبری یا مرجعیت مذهبی در امور نظامی) و لایه عملیاتی (ارتش و سپاه پاسداران) می‌شود؛ این ساختار در نظریه، اطمینان حاصل می‌کند که تصمیمات دفاعی از نظر شرعی، قانونی و عملیاتی مورد بررسی قرار گیرد؛ اما تجربه نشان می‌دهد که در بسیاری از موارد، تصمیمات سیاسی بر اساس فقهی یا قانونی تأثیر بیشتری داشته و این موضوع می‌تواند باعث کاهش شفافیت و افزایش ابهام در رابطه با مشروعیت اقدامات

نظامی شود؛ همچنین، مکانیسم‌های نظارت داخلی بر عملیات نظامی، مانند نظارت شورای عالی امنیت ملی، کمیسیون‌های مجلس و نهادهای نظارتی دیگر، در عمل به‌صورت کامل اجرا نمی‌شوند و این موضوع باعث شده است که برخی اقدامات نظامی بدون مبنای قانونی صریح و بدون نظارت کافی انجام شوند؛ از دیدگاه بین‌المللی، ایران در بسیاری از موارد، از حق دفاع مشروع به عنوان توجیه برای اقداماتی استفاده کرده است که از نظر جامعه بین‌المللی، از محدوده دفاع مشروع خارج است؛ این موضوع، باعث شده است که مشروعیت بین‌المللی برخی اقدامات ایران مورد سؤال قرار گیرد و ایران در میدان دیپلماسی امنیتی با چالش‌های بزرگی روبرو شود؛ در نهایت، پژوهش نشان داد که برای تقویت رعایت اصول دفاع مشروع، لازم است ایران ضمن حفظ استقلال تصمیم‌گیری، مکانیسم‌های شفاف‌تری برای نظارت بر عملیات نظامی ایجاد کند و در عین حال، با جامعه بین‌المللی در قالب مکانیسم‌های دیپلماتیک و حقوقی همکاری کند تا تفاوت‌های مفهومی در مورد دفاع مشروع به حداقل برسد؛ از این رو، پیشنهاد می‌شود ایران در جهت تدوین قانون جامع دفاع مشروع، که شامل تعریف دقیق تهدید، شرایط اجرای دفاع، محدودیت‌های اخلاقی و حقوقی و مکانیسم‌های نظارت داخلی باشد، اقدام کند؛ همچنین، لازم است ایران در سطح بین‌المللی، در قالب مکانیسم‌های دیپلماتیک، تلاش کند تا مفهوم دفاع مشروع را در چارچوب جدید تهدیدات (مانند جنگ نرم و سایبری) بازتعریف کند و از این طریق، مشروعیت بین‌المللی اقدامات خود را تقویت کند؛ در نهایت، این پژوهش نشان داد که دفاع مشروع نباید به عنوان یک ابزار سیاسی موقت در نظر گرفته شود، بلکه باید به عنوان یک اصل جامد، مستند و محدود به چارچوبی قانونی و اخلاقی تلقی شود که در آن، احترام به جان غیر، اجتناب از تهاجم غیرضروری و رعایت اصول تناسب و لزوم، از اصول اصلی آن باشد؛ این رویکرد، نه تنها از مشروعیت داخلی ایران در برابر جامعه ملی و جهانی حمایت می‌کند، بلکه به تقویت نظام حقوقی دفاعی ایران و ارتقای سطح مسئولیت‌پذیری در تصمیمات نظامی نیز کمک می‌کند.

منابع و مآخذ

۱. نجفی پور، عباس؛ مهدوی، ناهید. (۱۴۰۱). «یادگیری مشارکتی». مجله علوم تربیتی، شماره ۴۵.

۲. رضایی، فریده. (۱۳۹۲). «نظارت مجلس بر فعالیت‌های نظامی در شرایط بحرانی». فصلنامه مطالعات مجلس، سال ۶، شماره ۲، صص ۸۹–۱۰۵.

۳. حسنی، سید محمد. (۱۳۹۳). حقوق جنگ در فقه اسلامی. قم: موسسه آموزشی پژوهشی اسلامی.

۴. شکوری، سید رضا. (۱۴۰۲). نظام تصمیم‌گیری نظامی در جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات دانشگاه امام علی (ع).

۵. موسوی، سید حسین؛ کریمی، زهرا؛ رضایی‌نژاد، احمد. (۱۴۰۰). «روابط بین فقه اسلامی و حقوق بشر در حوزه دفاع مشروع». مجله پژوهش‌های اسلامی، سال ۲۵، شماره ۲، صص ۱۱۲–۱۳۵.

۶. احمدی، محمد. (۱۳۹۸). اصول دفاع مشروع در فقه شیعه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷. علی‌پور، حسین. (۱۳۹۴). «حق دفاع مشروع در قانون اساسی و قوانین تکمیلی». مجله حقوق و علوم سیاسی، سال ۱۰، شماره ۴، صص ۱۲۳–۱۴۰.

۸. میرزایی، سید علی. (۱۳۹۱). امنیت ملی و دفاع مشروع در فقه و حقوق اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.

۹. باقری، محمد. (۱۳۹۵). «تعریف تهدید در فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل». مجله مطالعات امنیتی، سال ۸، شماره ۱، صص ۷۷–۹۴.

۱۰. رضایی، علی. (۱۳۹۶). «مکانیسم‌های نظارت بر عملیات نظامی در نظام حقوقی ایران». فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، سال ۱۲، شماره ۳، صص ۴۵–۶۸.